



~~Handwritten text~~  
010-10-10

3936

M.A. LIBRARY, A.M.U.



PE730





# خلنامه کوهی

۱۵۶

اثر قریحه ح. کوهی کرمانی

مدیر نسیم صبا

قیمت یکقران و پنج شاهي

اگر خلنامه کوهی بخوانید طریق خیر و شر خود بداند

از انتشارات نسیم صبا

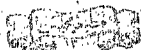
خیابان لاله زار، کتابخانه طهران

خیابان لاله زار، مغازه نسیم

شاه آباد اداره نسیم صبا

محل فروش

حق طبع موقوف با اجازه مصنف





# خلنامه کوهی

اثر قریحه ح. کوهی کرمانی

مدیر نسیم صبا

قیمت یکقران و پنج شاهی

اگر خلنامه کوهی بخوانید طریق خیر و شر خود بدانید

از انتشارات نسیم صبا

خیابان لاله زار کتابخانه طهران  
خیابان لاله زار منازة بدیع  
شاه آباد اداره نسیم صبا } محل فروش

حق طبع موقوف باجازه مصنف

## بنام اینک توانا

۴۳.

۱۱۲

بنام آنکه ما را عقل و دین داد  
ز دین و عقل نظم این زمین داد  
به هر کس عقل داد او را همه چیز  
بداد و کردش از انعام لبریز  
کسی را گر تعقل بیندوا نرد  
بیکباره زهر نعمت جدا کرد  
بود کار جهان همچون اداره  
زروی نظم و ترتیب و شماره  
رئیسش هست عقل و دین معاون  
فری بر این رئیس و این معاون  
کسی که عقل و دین و امانده باشد  
خدایش زین اداره رانده باشد  
اگر داری تو عقل و هوش و ایمان  
بخوان این شعرها را تا پایان  
روا باشد اگر دقت نمائی  
که هم خندی و هم رقت نمائی

### خلنامه کوهی

بود (خل نامه) نام این حکایت  
سه جلد است از بدایت تا نهایت  
بود این جلد اکنون جلد اول  
بقیه دارد این شرح مطول  
اگر جلد نخستین خوب گردد  
بنزد قارئین مطلوب گردد  
دو جلد دیگرش را هم بگویم  
حکایت ها زییش و کم بگویم  
کنون بشنو ز کوهی داستانی  
که در هر نکته اش حیران بمانی

~~~~~

### -o- آغاز حکایت -o-

شنیدستم جوانی زاهل کاشان  
گذارش اوفتاد اندر صفاهان  
جوانی زود باور صاف و ساده  
خل و بیچاره دور از خانواده  
بی تحصیل جاه و زر سفر کرد



که گردد از سفر صاحب خطر (۱) مرد  
 شنیده منفعتهای سفر را  
 به ترك بوم خود بسته گهر را  
 نهاده از شوق سر اندر بیابان  
 شتایان رفت تا شهر صفاهان  
 درون مدرسه بگزید منزل  
 کر اهل فضل روشن گرددش دل  
 بیاموزد ادب از خیل طلاب  
 شود مردی ز اهل علم و آداب  
 قدم در مدرسه از بهر نان زد  
 چو دزد نابلد در کاهدان زد  
 برای دیدن آن شهر آباد  
 شده بیرون ز حجره مادل شاد  
 بیمن جد و جهد و سعی و کوشش  
 تمام شهر را میگرد گردش  
 گهی در چار باغ و گه به جلفا  
 گهی زاینده رود و باغ بالا

(۱) - در اینجا بمعنی شأن و قدر میباشد

زمانی سی سه پل گاهی خیابان  
 چو کبک مست در هر سو خرامان  
 همه شبهای جمعه تخت پولاد  
 خرامان آمدی چون شاخ شمشاد  
 خیابان خوشش هر صبح و هر شام  
 بدش مأوای و دایم میزدی گام  
 می و معشوق دایم در کننازش  
 همیشه مست بد چشم خارش  
 بهر رویان بدی دایم هم آغوش  
 نمودی هر چه غیر از این فراموش  
 دلش راحت نبود از عشق خوبان  
 سر کوی بستان بد پای خوبان  
 همیشه مهر خوبان در دلش بود  
 مزین زان عزیزان محفلش بود  
 بهر جا ساده دیدی بیابان  
 بجان و دل شدنی او را خریدار  
 خلاصه شهره شد در عشق بازی  
 نه از راه حقیقت بل مجازی

چه خوشکلیها شنیدند این خبر را  
 خبر کردند یاران دگر را  
 که آوردیم يك خرسی به تله  
 شتاب آرید سویش کله کله  
 بیاید با فسون و حیلہ پختش  
 بیاید پای تاسر کرد لختش  
 ز هر جانب بدورش جمع گشتند  
 چو پروانه بدور شمع گشتند  
 یکی بوسه همیدزد بر لبانش  
 یکی می شد فدای جسم و جانش  
 یکی بر صورت او بوسه می داد  
 یکی بهرش هل و گل می فرستاد  
 یکی می کرد بر رویش نظاره  
 که الحق چون تو نبود ماهیاره  
 غرض تا بود اندر جیب او پول  
 بدورش کلر خان بودند مشغول  
 چه دستش شد تپنی از سیم و از زر  
 شدند از وصل او بیزار یکسر

ز دورش خوب رویان دور گشتند  
 مر آن بیچاره را مهجور هشتند  
 چه دید آن بی وفایاران سوری  
 بجزم فقر از وی کرده دوری  
 دلش شد سرد از دنیای غدار  
 برنجید از رفیقات جفا کار  
 تنی شد کیسه از دینار و درهم  
 دلش خالی ز ماعوم پر از غم  
 ز هجر ماهرویان در تب سوز  
 بذلت مبتلا اندر شب و روز  
 «فلک را عادت، دیرینه این است» (۲)  
 «که با آزادگان دایم بکین است»  
 هر آن عاشق که شد یک رو و یکرنگ  
 فضای خویش را سازد بر او تنگ  
 اگر خواهی خوشی را جاودانه  
 بشو هم رنگ با خلق زمانه  
 باین الوقت ها با شور و غوغا

(۲) این بیت از پیرو جوان میزدانصیر اصفهانی است

بشو همرنك و هم عهد و هم آوا  
 تملق گو باشراف و رئیسان  
 سرهر سفره باش ازکاسه لیسان  
 وگر نه هم چو (کوهی) باش حیران  
 همیشه باش در عمرت پریشان  
 بغیر از خون دل نبود غذایت  
 بجز لحّت جگر نبود دوائت

(بعد از ورشکست برمالی)

غرض آقای خل چون لات شدلات  
 بکار خویش حیران مات شد مات  
 برای کسب رزق اندیشهها کرد  
 بهر اندیشه بس غصّهها خورد  
 مهیا کرد باز حجت کتابی  
 دوات و تخت رملی و حسابی  
 دم بازار چه بکرفت جائی  
 نشست و داد مرد مرا صلائی

که من در (رمل) و در (جفر) اوستادم  
 مکر رمال از مادر بزادم  
 بشهر خویش بودم (طاس) گردان  
 ز بیمم جمله دزدان رنگ زردان  
 (بجن) گیری و تسخیر عزائم  
 بملک خود بدم مشغول دایم  
 نه بدکس مثل من در غیب گوئی  
 زمن کردند مردم چاره جوئی  
 (زکف) بینی و (جفر) و (ماسه) بندی  
 مرا بر هم کنان بدسر بلندی  
 ز عالم (شانه) و فال (نخود) نیز  
 کدوی علم من می بود لبریز  
 چه مردم ادعا هایش شنیدند  
 زهر جانب بسمت او دریدند  
 غرض از ابلهان و ساده لوحان  
 بدورش جمع گردیده هزاران  
 یکی نازاد بود و بچه میخواست  
 یکی میگفت دغتم زار و تنها است

یکی میجست افسون محبت!  
 از آن وردیکه باید خوند خلوت  
 دگر از شاش بندو (زله) بندی  
 دهم گر شرح بر دیشم بخندی!  
 خلاصه مرشد عمر بی نوا شد  
 برای هر کسی مشکمل گشا شد

(رمال که ترقی کرد درویش میشود)

چه از رمالی آنخل بهره نادید  
 برای خویش درویشی پسندید  
 مهیا کرد تاج و بوق و کشکول  
 بیا هو حق علی گردید مشغول  
 تمام روز را آن تازد درویش  
 بهرسو پرسه میزد با دل ریش  
 همه شب تا سحر در قهوه خانه  
 بسگوش قصه و چنک و جفانه  
 زمانی قصه میگفت و گاهی مدح  
 نمودی اهل دنیا را بسی قدح

زمانی (دوغ وحدت) نوش میکرد  
 دلش از ذکر مولا جوش میکرد  
 زمانی (رقص وحدت) می نمودی  
 گهی زنگار شرک از دل زدودی  
 کشیدی چرس و بنک اندر لب جوی  
 بدی سرمست یا هو حق علی گوی  
 (بعد از درویشی روضه خوانی)

همیدون بشنو از درویش شیدا  
 که خرده خرده کارش رفت بالا  
 ز درویشی گذشت و روضه خوان شد  
 دوباره بنخت پیرخل جوان شد  
 بهیامه بدل شد خرقه پاره  
 که بودی وصله اش بیش از شاره  
 کلاه فقر را از سر رها کرد  
 برای خود عبائی دست و پا کرد  
 برای خود شد آشوندی حساسی  
 بنمود بسته بمی چنت ماآبی



محرم آمد و حالش بهین شد  
 خلاصه عندلیب الذاکریں شد  
 در اصفهان بشدیک روضه خوانی  
 نبود آسوده از خواندن زمانی  
 همه ادبار پیشین گشت اقبال  
 از آن بد حال قی گردید خوشحال  
 بدین منوال بر وی رفت یک چند  
 که بودی شاد و هم خوشحال و خورسند  
 الاغ بندری در زیر پایش  
 همیشه نو بدی شال و قبایش  
 یک از اطفال را کرده جلو دار  
 که همراهش دود در کوچه بازار  
 (شکم سیر متعه میطلبید)

غرض خل گشت شیخی سخت عالی  
 معاشر با بزرگان و اعالی  
 قضا روزی روان شد سوی بازار  
 که تا گردد عباتی نو خریدار

عجوزی حیلہ گر شد در کمینش  
 گہی شد در یسار و گہ پیمیش  
 باین حیل کہ چون از در آید  
 کہ تا او را شکار خود نماید  
 بشد نزدیک شیخ و چشمکی زد  
 برای شیخ خل لبخند کی زد  
 دل خل آمد از این عشوہ و ناز  
 چہ مرغ آشیان دیدہ پیرواز  
 ندیدہ سورت آن شوخ عیسار  
 بجان و دل بشد او را خریدار  
 چنان آنمشوہ ہا بر او اثر کرد  
 کہ آخر از عبا صرف نظر کرد  
 شد از دنبال یارو پای کوبان  
 چہ روباہ از پی دنبہ شتابان  
 عجوز از پیش و شیخ خل بدنبال  
 دل ہر یک پر از یک نوع آدال  
 زمانی رفتہ و کامی دویندند  
 کہ تا در کوچہ خلوت رسیدند

در اول شیخ آغاز سخن کرد  
 خطاب اینگونه بر آن پیر زن کرد  
 که ای مه طلعت خوش قد و بالا  
 بکن یکسو نقاب از روی زیبا  
 که من از هجر رویت بیقرارم  
 دگر من بیش از این طاقت ندارم  
 چنان عاشق شدسم بر لقایت  
 که جان و سر دهم بر رو نمایت  
 جوابش گفت با صد عشوه و ناز  
 عجز زشت روی حیلۀ پرداز  
 بیا ای شیخ سوی من بمنزل  
 در آنجا حل نمایم بر تو مشکل  
 نه بینی روی من را جز در آنجا  
 که دل آسوده است از بیم و غوغا  
 (هر کسی باخود خیالی میکند)

بخود میگفت در ره پیر محال  
 شکاری خوب آوردم بچنگال

کنون باید بمنزل برد و بختش  
 ز سر تا پا نمایم خوب بختش  
 عجب مرد خلی آمد بگیرم  
 بیاید کام دل را زو بگیرم  
 قدم آهسته بر میداشت با ناز  
 که تا آرد دل خل را پیرواز  
 ز دیگر سمت خل هم بود شادان  
 که باری جسته ام چون ماه تابان  
 کنم امروز و امشب بی صعوبت  
 همی جبران ایام عز و بت  
 بگیرم این پری رو را دم کار  
 نه يك نه دو و نه سه بلکه صد بار  
 حسابی داشت با خود تنك و باریك  
 که نتوان فهم آن با فکر تاريك  
 که گر بخشم باین خانم دو تومان  
 بگیرم بعد صد بارش گریبان  
 بهر بارش به بر گیرم کاهی  
 شود قبری برایم چار شاهی

غرض میدیخت خل در مطبخ سر  
 بسی سودای خام از فکر ابر  
 رسیدند اندرین اثنا بمنزل  
 عجوزك در زد و گردید داخل  
 دو ساعت شیخ خل را منتظر ماند  
 که تا برگشت و سوی منزلش خواند  
 ﴿خرس وارد تله شد﴾

چه شد وارد جناب خل بخانه  
 مهیا دید چنگی و چغانه  
 شرابی و کبابی و ربابی  
 بهر سو مبل شیک و تخت خوانی  
 عجوزك زود با يك طمطراق  
 مهیا کرد از بهرش اطاق  
 فرستاد از برایش مرغ بریان  
 شراب ناب جلفای صفاهان  
 شرابی کش بخونی بود کمیاب  
 که جد شیخنا نادیده در خواب

جناب شیخ با صد بیم و امید  
 شراب ناب را اول بنوشید  
 شراب مفت شیخ مفتخواره  
 همی نوشید جام بی شماره  
 پس آنکه داد پیغمبی بیارش  
 که آید زودتر اندر کنارش  
 جواب آمد که ای شیخ جوان بخت  
 مکش امشب از این منزل دگر رخت  
 نه شب کوتاه و نه در خانه اغیار  
 بود تا صبح جانا وقت بسیار  
 بوصل هم رسیدم و کام جوئیم  
 ره مهر و وفا با هم بیوئیم  
 مکن کم صبری ای شیخ نکو فال  
 که امشب میرسی آخر بآمال  
 به پیش خود زیاد اندیشه منهای  
 زمانی صبر و طاقت پیشه بنهای  
 که اکنون میرسم در خدمت تو  
 فدای لطف و مهر و عزت تو

بیاد من شراب ارغوانی  
 بنوش ای شیخنا تا میتوانی  
 چه بشنید این پیام از پیش خدمت  
 برویش باز گشت ابواب رحمت  
 بسر انداخت آواز نوارا  
 نمود از زوزه خود پر فضارا  
 بیاد یار خود آواز میخواند  
 بهر سو توسن اندیشه میراند  
 غرض خل انقدر نوشید ساغر  
 که خل بود وز مستی گشت خل تر  
 نه می در هر سری شر میخاید  
 که خل را باده خلتر میخاید  
 چنان شد شیخ مست از باده ناب  
 که از زور می آمد در تب و تاب  
 شکارچی بالای سر شکار

چه این دید آن بجوز حیلہ پرداز  
 که عقل از مغز خل کرده است پرواز

توالت کرد خود را بیش از پیش  
 خرامان شد به نزد شیخ دلریش  
 بشد اندر اطاق شیخ داخل  
 که تا از وی رباید عقل و هم دل  
 چه دید آن خل که آمد آنچه میخواست  
 ز روی خلجی از جای برخاست  
 ز ناب مسقی و فرط عزوبت  
 بخود هموار کرده هر عقوبت  
 تمیز از فرط مسقی رفته بودش  
 جوی ادراک اندر سر نبودش

\*\*\*

بلی هر کس که شد پابند مشروب  
 شود عقاش بدست جهل منکوب  
 تمیز خواب را از بد نداند  
 زهر سر تو سن شهوت براند  
 نماید عقل را بالمرّه زایل  
 دهد کی فرق بین حق و باطل



## — ﴿آدم خل رنگ میشود﴾ —

خلاصه شب بیامد بر سر دست  
 جناب شیخ خل از باده سر مست  
 شبی مهتاب همچون روز روشن  
 بچشم خل شد آن کاشانه گلشن  
 چنان چشم تمیزش گشته بد کور  
 که آن پتیاره بینش بود چون حور  
 بگشته مات و حیران بر جمالش  
 نموده تیز دندان بر وصالش  
 عجوزك شاد دل با صد افاده  
 یکی دام از برای او نهاده  
 که سر تا پا و را عریان نماید  
 خل بیچاره را بریان نماید  
 خل بیچاره غیر از عشق دلبر  
 نبودش چیز دیگر هیچ در سر  
 چه بگذشت از سر شب ساعت چار  
 بشد مسدود راه کوچه بازار

جناب خل بگشتی طاقتش طاق  
 بان زن گفت کو آن عهد و میثاق  
 که در ره وعده میدادی بمنزل  
 که بنمائی برابم حلّ مشکل  
 عجوزك چون شنید این حرفها را  
 بر او بگشود باب ماجرا را  
 نهادش پیش تکلیفی که الان  
 شویم از پای تا سر لخت و عریان  
 چه دور از تن یکی تن پوش سازیم  
 بیاد هم شرابی نوش سازیم  
 زن هر يك لباسی بر کشیدند  
 عرق جای شراب اندر کشیدند  
 سراپا لخت گردیدند و سرمست  
 عجوزك شیر مست و شیخ خرمست  
 نکننده پیرهن از پا در افتاد  
 دمر بر روی قالی چون خرافتاد  
 عجوزك پیرهن بنمود بیرون  
 کشیدش زیر شلواری هم از (...)

خل بیچاره بی عقل و حیران  
 ز سر تا پا همی گردید عربان  
 جناب شیخ خل گردید ابلق  
 بظاهر ابلق و در باطن احق

\*\*\*

عجوزك نوكر و كلفت صدا کرد  
 اشارت بر خل بی دست و پا کرد  
 بگفت این غول ابلق را همیدون  
 بیساید چرخمانه برد بیرون  
 کنار چار سو ویرا گذارید  
 بدست کوچه گردان سپارید

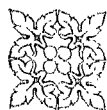
مست را بنظمیه میبرد

سحر چون زد خروس صبح شهر  
 مؤذن بانك زد الله اكبر  
 سكان خواهوش از بانك شبانه  
 روان شبکرد سوی قهوه خانه

بگوش آمد نفیر بوق حمام  
 مناجاتی روان شد جناب بام  
 روان گشتند يك يك اهل اسلام  
 پی غسل جنابت سوی حمام  
 بر آمد تیغ مشرق از کھر گاه  
 تراشیدند ریش شب سحر گاه  
 نسیم صبح زد بر شیخك خل  
 نہی سبخت و آوردش بجلجل  
 زجا بر جست با جسم برهنه  
 زسرما طاقت رفتن برد نہ  
 نہ کیف پولو نہ کفش ونہ دستار  
 سرا پا لخت افتاده بیازار  
 در این اثنا رسید از راه شبگرد  
 بدید اورا و از وحشت تکان خورد  
 ہمی لاحول میخواندی دمام  
 کہ یارب غول هست این یا کہ آدم  
 بمر خود ندیدم این چنین جنس  
 نمیدانم کہ این جیّن است یا انس

غرض هی قل هو الله احد خواند  
 کفی از خاك سوى او بیفشاند  
 بگفت ای هیکل پر بیم و تشویش  
 اکر انسی مرا می آیی در پیدش  
 اکر جسنی بحق قل هو الله  
 بشو دور این زمان تو از سر راه  
 جناب شیخنا در پاسخش گفت  
 که من جن نیستم با آدم جفت  
 بدم در منزلی بس شیک دیشب  
 در آغوش نکاری سیم غبغب  
 نمیدانم چه شد کاینجا قسام  
 هر آنچی داشتیم از دست دادم  
 چه اینها را شنید آن مرد شبگرد  
 زدش با چوب تا حدیکه میخورد  
 پس از زجرو اذیتهای بسیار  
 به بردش در زمان سوی کمیسار  
 بصاحب منصب خود داد واپرت  
 من اینرا دیدم اندر حالت چرت

در اوّل من نمودم ترس بسیار  
 چنانکه دیدگانم شد همی تار  
 نخستین دفعه هی لاجول خواندم  
 به بسم الله زبان خویش راندم  
 یواش آهسته یققدری شدم پیش  
 دمیدم قل هو الله بر تن خویش  
 که گرجن است میگردد یقین دور  
 زاسما الله چشمش میشود کور  
 غرض تا اینکه دانستم بود انس  
 نهایت آنکه انسی هست بدجنس  
 چه این دریافتم بکرفتمش ریش  
 بداینجایش گشانیدم به تشویش



## استنطاق و سرخصی

رئیس هاسکه زان غول بی دم  
 در اوّل دفعه بنمودی توهم  
 پس آنکه سوی استنطاق خواندش  
 بروی کرسی چوبین نشاندش  
 بکفت ای غولک بی شانخ و بی دم  
 چه باشد حرفه تو بین مردم  
 چه باشد نام واصل و زاد و بومت  
 چرا لخت است این اندام شومت  
 کدامین دست کرده خال خالت  
 که داد است این قشنگی برجمالت  
 بهر چیزیکه از آن غول پرسید  
 جواب درخوری زان غول بشنید



چه بر زد آفتاب از کوه قارن  
 طلایی شد زمین از روز روشن

لبوئی بانك زد صبحانه دارم  
 لبوی خوب چون در داند دارم  
 ز يك سو آس کشکی درنوا شد  
 حلیمی خلق را مشکل گشا شد  
 تمام کاسب شهر صفاهات  
 نموده باز در بازار دكانت  
 هوا شد معتدل نه سرد و نه گرم  
 ز گرمی دست و پای خل بشد نرم  
 رئیس هاسکه گفتا بشب گردد  
 که میباید گرفتن دست این مرد  
 ببر او را کنون از راه بازار  
 بمنزل دست قوم و خویش بسیار

### تکفیر — و چپاق

روان شد شیخنا با آن تن عور  
 بدان شکل قبیح و وضع ناجور  
 ز دنبالش روان اشخاص و لکورد  
 براو هو هو کنان جمله زن و مرد



بدان شور و جلال آن دیو مارد  
 همی در مدرسه گردید وارد  
 چه طلائش بان هیکل بدیدند  
 ز هر جانب بسمت او دویدند  
 که ای ملعون بن ملعون مرتد  
 سلك بيدین نحس واجب الحد  
 خبیث الذات بی ایمان و بی دین  
 لباس عامرا بنموده رنگین  
 زدند آن بینوا را تا که میخورد  
 در آخر چون یقین کردند کومرد  
 کشیدندش ز دار العلم بیرون  
 فکندندش میان کوچه وارون  
 که این ملعون بی توفیق احمق  
 نموده خویشرا رنگین و ابلق



رناك مشو تا كتك نخوری  
 بلی هر کس که شد از ابلهی رناك  
 فضای این جهان گردد بر او تنك

هر آنکس رنگ شد در این زمانه  
 نمایندش به بد نامی نشانه  
 حرام آید برایش زندگانی  
 نبیند روی بخت و کامرانی  
 هزاران کار نیکوگر نماید  
 بیچشم مردمان بد می نماید  
 همان طلاب کر نعلین و باچوب  
 خل بیچاره را کردند منکوب  
 نهانی تو سن حیلت بتمازند  
 هزاران کارهای زشت سازند  
 چه ناگزیده رنگند آن حریفان  
 به نزد خلق هستند از شریفان  
 همیشه فربه و گردن کلفتند  
 که افتاده بروی مال مفتند  
 ولی چون شیخ خل گشته بد رنگ  
 وجودش نوعاً بد مایه ننگ

## رنك رزها را بشناسید

كنون ایدوستان باشید هشیار  
 كه باشد رنگرز امروزه بسیار  
 من اكنون از برای می‌شمارم  
 یكا يك را بدست می‌سپارم  
 فراوان رنك رز باشد در این ملك  
 كه می‌رانند در بحر حیل فلك  
 از آنها آنكه عیب‌باشد مهم‌تر  
 شمارم اندر این فرخنده دفتر  
 كه صباغان اصلی را شناسید  
 ز مكر و حیل آنان هراسید  
 نخستین صنف از آنها خوشگلانند  
 كه در گلزار حیلت بلبلانند  
 نمایند آنچنان عشاق را رنك  
 كه از بوری همی‌نالند چون چنك  
 بر آرند از هوس‌رانان خرپول  
 دمار آسان كه آن پتیاره ازغول

کلاه از سگله رستم ربایند  
 کمر ز اسفندیار و جهم گشایند  
 گدا سازند هر دلدادنی را  
 و بالتخصیص حاجی زاده نمی را  
 بیک عشوه بیک غمزه بیک (..)  
 گدا سازند هر دیندار و کافر  
 مگر صباغ از مادر بزادند  
 که در نکیدن اینسان اوستادند  
 از این حیلت گران پیوسته بگریز  
 ز رنگ آمیزی آنان به پریمیز  
 ملا و مرشد

بود صنف دوم ملا و مرشد (۲)  
 که هستند این دو با صدق و صفها ضد

(۲) مقصود ما در اینجا از عالمان و زاهدان ربائی و  
 کلاشانی است که مذهب را آلت ارتزاق و تکیه قرار  
 داده اند و از این قبیل در هر عصر و زمان بوده اند و  
 همواره اجتناب از آنها را شرع مقدس و علماء و روحانیون  
 حقیقی امر نموده اند چنانکه مولوی هم میفرماید  
 ای بسا ابلیس آدم رو که دست  
 بس بهر دستی نباید داد دست

یکی جنباند از تزویر دم را  
 کند خنجر مردم از عقل گم را  
 یکی افکنده در عالم هیاهو  
 نهاده دام یا مولا و یا هو  
 یکی بر خویش بسته نام تقبوا  
 جهانی را نموده بر ز غوغا  
 یکی دم میزند از فقر و آنگاه  
 بذیل نام خود ملحق کند شاه  
 ولیکن کسب و کار او گدائست  
 بروز و شب بفکر ژاژ خواهیست  
 یکی بر سر نهد دستار سنگین  
 گر او باشد لباس علم ننگین  
 یکی از مغز میگوید یک از پوست  
 یکی دشمن تراشد آن دگر دوست  
 یکی از پچرس و بنگ و دود تریاك  
 کند هر روز و هر شب سیر افلاك  
 یکی قشر است آن يك اهل باطن  
 یکی رند است و آن يك هست مؤمن

یکی گوید برای کار عقبا  
 بیندازید از کف مال دنیا  
 بیندازید تا بر دارمش من  
 خورم هر شب فسنجان و مطنجن

\*\*\*

بدنیا عالمان و زاهدانند  
 که با عرفان و تقوی مرشدانند  
 ولی عالم نمایان دیوری  
 همان درویش نا درویش سوری  
 گرفته جای اصحاب کرامات  
 نموده عالمی پر از خرافات

\*\*\*

مشورنك و مشورنك و مشورنك

الا ای هوشمندان پند گیرید  
 ز (کوهی) این نصیحت را پذیرید  
 که باشد این جهان صباغخانه  
 خلایق کرده در وی آشیانه

یکی صباغ و دیگر دسته مصبوغ  
 یکی دوغ است آن دیگر ملندوغ  
 خنك آن کس که عمری را بسر برد  
 ز رنگ رنگ زرها جان بدر برد  
 ولی هستند این صنف منور  
 بعالم کمتر از گوگرد احمر  
 چه خواهی نيك سالم مانی از دام  
 بخوان این بیت را هر صبح و هر شام  
 اگر داری تو عقل و هوش و فرهنگ  
 مشورنگ و مشو رنگ و مشورنگ



قضیه خل بعد از آنکه او را از مدرسه خارج  
 کردند و متوسل بچه کارهائی میشود و  
 عاقبت کار او بکجا میکشد در جلد دوم و  
 سوم مفصلاً گفته خواهد شد.

حسین کوهی کرمانی مدیر نسیم صبا

طهران دیماه ۱۳۰۴





## کتابخانه «طهران»

واقع در اول لاله زار، شماره ۱۲ مرکز فروش اقسام کتب فارسی، عربی، فرانسه، انگلیسی، روسی و آلمانی است. در این کتابخانه از اقسام کتب و نسخ خطی و معصور پیدا میشود و همچنین انواع کتب بهر زبان خطی و چاپی را بقیمت مناسب خریداری مینماید.

هر رقم کتابی که بخواهند و حاضر نداشته باشند بهر زبان و از هر جا که باشد در مدت کمی بدون تقاضای بیعانه حاضر مینماید فقط تقاضانامه از طالب محترم بضمیمه آدرس او دریافت مینماید.

اگر از ولایات هم کتابی سفارش دهند اعتبار و آدرس کافی بدهند نیز فرستاده خواهد شد.

اقسام مجلات طبع طهران و خارجه را نیز میتوانند توسط این کتابخانه آبرونه شوند.

رمانهای جدید الطبع و کتب تازه چاپ شده طهران هم در این کتابخانه موجود است.



४८८५

१९१५०१००

This book was taken from the Library  
on the date last stamped. A fine of  
1 anna will be charged for each day  
the book is kept over time.

८५.

خلاہ کے کو (5)

[illegible]

4. Books may be retained by:  
 a. MA, &A Sec.  
 b. MA, &A Sec.  
 c. MA, &A Sec.  
 d. MA, &A Sec.  
 e. MA, &A Sec.  
 f. MA, &A Sec.  
 g. MA, &A Sec.  
 h. MA, &A Sec.  
 i. MA, &A Sec.  
 j. MA, &A Sec.  
 k. MA, &A Sec.  
 l. MA, &A Sec.  
 m. MA, &A Sec.  
 n. MA, &A Sec.  
 o. MA, &A Sec.  
 p. MA, &A Sec.  
 q. MA, &A Sec.  
 r. MA, &A Sec.  
 s. MA, &A Sec.  
 t. MA, &A Sec.  
 u. MA, &A Sec.  
 v. MA, &A Sec.  
 w. MA, &A Sec.  
 x. MA, &A Sec.  
 y. MA, &A Sec.  
 z. MA, &A Sec.

The maximum number of books may be borrowed at any one time by A & B - 2 volumes  
C - 1 volume  
D - 2 volumes  
E - 3 volumes  
F - 4 volumes  
G - 5 volumes  
H - 6 volumes  
I - 7 volumes  
J - 8 volumes  
K - 9 volumes  
L - 10 volumes  
M - 11 volumes  
N - 12 volumes  
O - 13 volumes  
P - 14 volumes  
Q - 15 volumes  
R - 16 volumes  
S - 17 volumes  
T - 18 volumes  
U - 19 volumes  
V - 20 volumes  
W - 21 volumes  
X - 22 volumes  
Y - 23 volumes  
Z - 24 volumes  
AA - 25 volumes  
AB - 26 volumes  
AC - 27 volumes  
AD - 28 volumes  
AE - 29 volumes  
AF - 30 volumes  
AG - 31 volumes  
AH - 32 volumes  
AI - 33 volumes  
AJ - 34 volumes  
AK - 35 volumes  
AL - 36 volumes  
AM - 37 volumes  
AN - 38 volumes  
AO - 39 volumes  
AP - 40 volumes  
AQ - 41 volumes  
AR - 42 volumes  
AS - 43 volumes  
AT - 44 volumes  
AU - 45 volumes  
AV - 46 volumes  
AW - 47 volumes  
AX - 48 volumes  
AY - 49 volumes  
AZ - 50 volumes  
BA - 51 volumes  
BB - 52 volumes  
BC - 53 volumes  
BD - 54 volumes  
BE - 55 volumes  
BF - 56 volumes  
BG - 57 volumes  
BH - 58 volumes  
BI - 59 volumes  
BJ - 60 volumes  
BK - 61 volumes  
BL - 62 volumes  
BM - 63 volumes  
BN - 64 volumes  
BO - 65 volumes  
BP - 66 volumes  
BQ - 67 volumes  
BR - 68 volumes  
BS - 69 volumes  
BT - 70 volumes  
BU - 71 volumes  
BV - 72 volumes  
BW - 73 volumes  
BX - 74 volumes  
BY - 75 volumes  
BZ - 76 volumes  
CA - 77 volumes  
CB - 78 volumes  
CC - 79 volumes  
CD - 80 volumes  
CE - 81 volumes  
CF - 82 volumes  
CG - 83 volumes  
CH - 84 volumes  
CI - 85 volumes  
CJ - 86 volumes  
CK - 87 volumes  
CL - 88 volumes  
CM - 89 volumes  
CN - 90 volumes  
CO - 91 volumes  
CP - 92 volumes  
CQ - 93 volumes  
CR - 94 volumes  
CS - 95 volumes  
CT - 96 volumes  
CU - 97 volumes  
CV - 98 volumes  
CW - 99 volumes  
CX - 100 volumes  
CY - 101 volumes  
CZ - 102 volumes  
DA - 103 volumes  
DB - 104 volumes  
DC - 105 volumes  
DD - 106 volumes  
DE - 107 volumes  
DF - 108 volumes  
DG - 109 volumes  
DH - 110 volumes  
DI - 111 volumes  
DJ - 112 volumes  
DK - 113 volumes  
DL - 114 volumes  
DM - 115 volumes  
DN - 116 volumes  
DO - 117 volumes  
DP - 118 volumes  
DQ - 119 volumes  
DR - 120 volumes  
DS - 121 volumes  
DT - 122 volumes  
DU - 123 volumes  
DV - 124 volumes  
DW - 125 volumes  
DX - 126 volumes  
DY - 127 volumes  
DZ - 128 volumes  
EA - 129 volumes  
EB - 130 volumes  
EC - 131 volumes  
ED - 132 volumes  
EE - 133 volumes  
EF - 134 volumes  
EG - 135 volumes  
EH - 136 volumes  
EI - 137 volumes  
EJ - 138 volumes  
EK - 139 volumes  
EL - 140 volumes  
EM - 141 volumes  
EN - 142 volumes  
EO - 143 volumes  
EP - 144 volumes  
EQ - 145 volumes  
ER - 146 volumes  
ES - 147 volumes  
ET - 148 volumes  
EU - 149 volumes  
EV - 150 volumes  
EW - 151 volumes  
EX - 152 volumes  
EY - 153 volumes  
EZ - 154 volumes  
FA - 155 volumes  
FB - 156 volumes  
FC - 157 volumes  
FD - 158 volumes  
FE - 159 volumes  
FF - 160 volumes  
FG - 161 volumes  
FH - 162 volumes  
FI - 163 volumes  
FJ - 164 volumes  
FK - 165 volumes  
FL - 166 volumes  
FM - 167 volumes  
FN - 168 volumes  
FO - 169 volumes  
FP - 170 volumes  
FQ - 171 volumes  
FR - 172 volumes  
FS - 173 volumes  
FT - 174 volumes  
FU - 175 volumes  
FV - 176 volumes  
FW - 177 volumes  
FX - 178 volumes  
FY - 179 volumes  
FZ - 180 volumes  
GA - 181 volumes  
GB - 182 volumes  
GC - 183 volumes  
GD - 184 volumes  
GE - 185 volumes  
GF - 186 volumes  
GG - 187 volumes  
GH - 188 volumes  
GI - 189 volumes  
GJ - 190 volumes  
GK - 191 volumes  
GL - 192 volumes  
GM - 193 volumes  
GN - 194 volumes  
GO - 195 volumes  
GP - 196 volumes  
GQ - 197 volumes  
GR - 198 volumes  
GS - 199 volumes  
GT - 200 volumes  
GU - 201 volumes  
GV - 202 volumes  
GW - 203 volumes  
GX - 204 volumes  
GY - 205 volumes  
GZ - 206 volumes  
HA - 207 volumes  
HB - 208 volumes  
HC - 209 volumes  
HD - 210 volumes  
HE - 211 volumes  
HF - 212 volumes  
HG - 213 volumes  
HH - 214 volumes  
HI - 215 volumes  
HJ - 216 volumes  
HK - 217 volumes  
HL - 218 volumes  
HM - 219 volumes  
HN - 220 volumes  
HO - 221 volumes  
HP - 222 volumes  
HQ - 223 volumes  
HR - 224 volumes  
HS - 225 volumes  
HT - 226 volumes  
HU - 227 volumes  
HV - 228 volumes  
HW - 229 volumes  
HX - 230 volumes  
HY - 231 volumes  
HZ - 232 volumes  
IA - 233 volumes  
IB - 234 volumes  
IC - 235 volumes  
ID - 236 volumes  
IE - 237 volumes  
IF - 238 volumes  
IG - 239 volumes  
IH - 240 volumes  
II - 241 volumes  
IJ - 242 volumes  
IK - 243 volumes  
IL - 244 volumes  
IM - 245 volumes  
IN - 246 volumes  
IO - 247 volumes  
IP - 248 volumes  
IQ - 249 volumes  
IR - 250 volumes  
IS - 251 volumes  
IT - 252 volumes  
IU - 253 volumes  
IV - 254 volumes  
IW - 255 volumes  
IX - 256 volumes  
IY - 257 volumes  
IZ - 258 volumes  
JA - 259 volumes  
JB - 260 volumes  
JC - 261 volumes  
JD - 262 volumes  
JE - 263 volumes  
JF - 264 volumes  
JG - 265 volumes  
JH - 266 volumes  
JI - 267 volumes  
JJ - 268 volumes  
JK - 269 volumes  
JL - 270 volumes  
JM - 271 volumes  
JN - 272 volumes  
JO - 273 volumes  
JP - 274 volumes  
JQ - 275 volumes  
JR - 276 volumes  
JS - 277 volumes  
JT - 278 volumes  
JU - 279 volumes  
JV - 280 volumes  
JW - 281 volumes  
JX - 282 volumes  
JY - 283 volumes  
JZ - 284 volumes  
KA - 285 volumes  
KB - 286 volumes  
KC - 287 volumes  
KD - 288 volumes  
KE - 289 volumes  
KF - 290 volumes  
KG - 291 volumes  
KH - 292 volumes  
KI - 293 volumes  
KJ - 294 volumes  
KK - 295 volumes  
KL - 296 volumes  
KM - 297 volumes  
KN - 298 volumes  
KO - 299 volumes  
KP - 300 volumes  
KQ - 301 volumes  
KR - 302 volumes  
KS - 303 volumes  
KT - 304 volumes  
KU - 305 volumes  
KV - 306 volumes  
KW - 307 volumes  
KX - 308 volumes  
KY - 309 volumes  
KZ - 310 volumes  
LA - 311 volumes  
LB - 312 volumes  
LC - 313 volumes  
LD - 314 volumes  
LE - 315 volumes  
LF - 316 volumes  
LG - 317 volumes  
LH - 318 volumes  
LI - 319 volumes  
LJ - 320 volumes  
LK - 321 volumes  
LL - 322 volumes  
LM - 323 volumes  
LN - 324 volumes  
LO - 325 volumes  
LP - 326 volumes  
LQ - 327 volumes  
LR - 328 volumes  
LS - 329 volumes  
LT - 330 volumes  
LU - 331 volumes  
LV - 332 volumes  
LW - 333 volumes  
LX - 334 volumes  
LY - 335 volumes  
LZ - 336 volumes  
MA - 337 volumes  
MB - 338 volumes  
MC - 339 volumes  
MD - 340 volumes  
ME - 341 volumes  
MF - 342 volumes  
MG - 343 volumes  
MH - 344 volumes  
MI - 345 volumes  
MJ - 346 volumes  
MK - 347 volumes  
ML - 348 volumes  
MM - 349 volumes  
MN - 350 volumes  
MO - 351 volumes  
MP - 352 volumes  
MQ - 353 volumes  
MR - 354 volumes  
MS - 355 volumes  
MT - 356 volumes  
MU - 357 volumes  
MV - 358 volumes  
MW - 359 volumes  
MX - 360 volumes  
MY - 361 volumes  
MZ - 362 volumes  
NA - 363 volumes  
NB - 364 volumes  
NC - 365 volumes  
ND - 366 volumes  
NE - 367 volumes  
NF - 368 volumes  
NG - 369 volumes  
NH - 370 volumes  
NI - 371 volumes  
NJ - 372 volumes  
NK - 373 volumes  
NL - 374 volumes  
NM - 375 volumes  
NN - 376 volumes  
NO - 377 volumes  
NP - 378 volumes  
NQ - 379 volumes  
NR - 380 volumes  
NS - 381 volumes  
NT - 382 volumes  
NU - 383 volumes  
NV - 384 volumes  
NW - 385 volumes  
NX - 386 volumes  
NY - 387 volumes  
NZ - 388 volumes  
OA - 389 volumes  
OB - 390 volumes  
OC - 391 volumes  
OD - 392 volumes  
OE - 393 volumes  
OF - 394 volumes  
OG - 395 volumes  
OH - 396 volumes  
OI - 397 volumes  
OJ - 398 volumes  
OK - 399 volumes  
OL - 400 volumes  
OM - 401 volumes  
ON - 402 volumes  
OO - 403 volumes  
OP - 404 volumes  
OQ - 405 volumes  
OR - 406 volumes  
OS - 407 volumes  
OT - 408 volumes  
OU - 409 volumes  
OV - 410 volumes  
OW - 411 volumes  
OX - 412 volumes  
OY - 413 volumes  
OZ - 414 volumes  
PA - 415 volumes  
PB - 416 volumes  
PC - 417 volumes  
PD - 418 volumes  
PE - 419 volumes  
PF - 420 volumes  
PG - 421 volumes  
PH - 422 volumes  
PI - 423 volumes  
PJ - 424 volumes  
PK - 425 volumes  
PL - 426 volumes  
PM - 427 volumes  
PN - 428 volumes  
PO - 429 volumes  
PP - 430 volumes  
PQ - 431 volumes  
PR - 432 volumes  
PS - 433 volumes  
PT - 434 volumes  
PU - 435 volumes  
PV - 436 volumes  
PW - 437 volumes  
PX - 438 volumes  
PY - 439 volumes  
PZ - 440 volumes  
QA - 441 volumes  
QB - 442 volumes  
QC - 443 volumes  
QD - 444 volumes  
QE - 445 volumes  
QF - 446 volumes  
QG - 447 volumes  
QH - 448 volumes  
QI - 449 volumes  
QJ - 450 volumes  
QK - 451 volumes  
QL - 452 volumes  
QM - 453 volumes  
QN - 454 volumes  
QO - 455 volumes  
QP - 456 volumes  
QQ - 457 volumes  
QR - 458 volumes  
QS - 459

2 The maximum amount may be not retained special permission with the University or not vice-Chancellor on den

The under mentioned  
A. Members  
B. Members  
C. Members  
D. Members

Extract from the  
RULES of the  
LYTTON LIBRARY  
MUSLIM UNIVERSITY  
ALIGARH.